



### علویان، فرقه گمنام شیعی (۲)

علی اکبر ضیایی

این فرقه گمنام شیعی، که تاکنون اندیشمندان اسلامی و علمای شیعه نیز نسبت به شناخت آن چندان اهتمامی نداشته‌اند، از دیرباز مورد توجه خاورشناسان آلمانی قرار گرفته و آنها بسیاری از پرده‌های ابهام را از چهره این فرقه زدوده‌اند.

آثار خطی فرقه علویه نصیری به ما نشان می‌دهد که این حرکت از عصر محمدبن نصیر بکری از معاصران امام حسن عسکری (ع) شروع شده و تاکنون نیز ادامه داشته‌است.

#### خاورشناسان آلمانی و علویان

همان‌طور که در مقاله پیش گذشت، فرقه علویه نصیری در پژوهش‌های خاورشناسان فرانسوی از جایگاه مهمی برخوردار بود. فرانسویان برای گسترش سلطه خویش بر سرزمین سیرسیز و حاصلخیز سواحل شام و تجزیه سوریه - به سه قسمت: علویه، دروز و سرکزی - کمیته‌ای اطلاعاتی برای جمع‌آوری اخبار و گزارش‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی تشکیل دادند. آنان حدود یک قرن قبل از اشغال آن منطقه تحقیقات میدانی خویش را شروع کردند؛ و تمامی حرکتها و جریانهای سیاسی و دینی را زیر نظر گرفتند. همان‌طور که بیان شد، این پژوهشها که در جهت اهداف استعماری و سیاسی فرانسه بود، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی انجام شده‌است.

اما آنچه در حوزه کار خاورشناسان آلمانی در خاورمیانه قرار داشته کمتر رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته‌است. شرقیان به خوبی به این نکته واقفند که خاورشناسان آلمانی به قصد پژوهش و ارضای کنجکاوی خویش، به فرهنگ غنی مشرق زمین روی آورده‌اند؛ و آلمان در

کشورهای اسلامی مستعمره‌ای نداشته‌است که به آن دلیل، به تحقیق بپردازد. در حال این فرقه گمنام شیعی، که تاکنون اندیشمندان اسلامی و علمای شیعه نیز نسبت به شناخت آن چندان اهتمامی نداشته‌اند، از دیرباز مورد توجه خاورشناسان آلمانی قرار گرفته و آنها بسیاری از پرده‌های ابهام را از چهره این فرقه زدوده‌اند. اما باید دانست که اگر اندیشمندان اسلامی با توجه به درک صحیح از محتوای مذهب تشیع و شناخت همه‌جانبه از عرفان اسلامی از روش تحقیقات میدانی بهره‌گیرند، می‌توانند به حقایقی از این فرقه گمنام دست یابند که خاورشناسان اروپایی با تمام تلاش خویش از درک عمیق آن عاجزند؛ و اگر دانشجویان علوم دینی به چنین تحقیقاتی توجه لازم، مبذول کنند بسیاری از حلقه‌های مفقوده تاریخ تفکر اسلامی کشف می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان گفت که اکثر مورخان معاصر حرکت اخباریه را به عصر علامین استرآبادی و به قولی به عصر محمداسترآبادی نسبت می‌دهند؛ و برخی نیز با توجه به دست‌نشته‌های علامه حلی در کتاب اصولی النهایه در بحث جمعیت خیر واحد حرکت فکری اخباریه را تا عصر علامه حلی نیز ردیابی کرده‌اند؛ اما مطالعه دقیق آثار خطی فرقه علویه نصیری به ما نشان می‌دهد که این حرکت از عصر محمدبن نصیر بکری از معاصران امام حسن عسکری (ع) شروع شده و تاکنون نیز ادامه داشته‌است.

در این مقاله به اختصار به معرفی چند خاورشناس آلمانی و تحقیقات آنان در زمینه علویان نصیری اشاره می‌کنیم:

**رودلف اشتروتمان:** او در سال ۱۹۲۸ م. گزارشی مختصر از یکی از مهمترین آثار تاریخی این فرقه را به نام تاریخ العلویین نوشته محمدامین غالب طویل، از اهالی شهر آدنا / ترکیه، به زبان آلمانی ترجمه کرد و آن

را در مجله Revue des Etudes Islamiques, PP: 191-192 به چاپ رساند. سپس در سال ۱۹۵۸ م. در شماره ۱۲ مجله Oriens مقاله‌ای تحت عنوان: Soelen Wanderung Den Nusairi به رشته تحریر درآورد.

در سال ۱۹۵۸ م. کتاب اخبار و روایات عن موالینا اهل الیت (ع) تألیف محمد بن حسین نصیری، از اهالی روستای بعمره از توابع شهر ساحلی طرطوس در سوریه، را به زبان آلمانی ترجمه و متن عربی آن را نیز تصحیح کرد و در برلین به چاپ رساند. البته اشتروتمان به اشتباه نام‌نویسده را محمد بن بعمره بن حسین نصیری ذکر کرده و به این نکته توجه نداشته که «بعمره» نام یکی از روستاهای علوی‌نشین ساحل سوریه است و جزو نام نویسنده نیست.

از جمله کوششهای اشتروتمان در شناخت این فرقه، تحقیق درباره کتاب خمس رسائل و اجوبتها و مجموعه رسائل التصیریة، به زبان عربی و ترجمه آن به زبان آلمانی است.

شاید خالی از لطف نباشد که خاطرمای را درباره این کتاب بیان کنم: تابستان ۱۳۷۰ بود که به خانه شریف عبدالله رهبر شیعیان شهر لاذقیه - در سواحل سوریه - که از سادات حسنی است رفتم. گرچه وی سالهاست دارفانی را وداع گفته‌است، فرزندانش عهده‌دار بخشی از مسئولیت مذهبی پدر و نیز اداره منزل و کتابخانه او بودند. وقتی در کتابخانه پرگرد و خاک او جستجو می‌کردم کتابی در سطل آشغال کنار کتابخانه نظرم را به خود جلب کرد. معلوم بود که سالهاست که این سطل و کتابخانه دست نخورده‌اند. آن کتاب نسخه‌ای اشتروتمان به شریف عبدالله بود که روی جلد آن نیز اسم و امضای اشتروتمان دیده می‌شد. بعید نیست که اشتروتمان نسخه خطی رسائل علویه را از رهبر شیعیان آن منطقه - شریف عبدالله - دریافت کرده و پس از تحقیق و ترجمه در آلمان نسخه‌ای از آن را برای شریف عبدالله فرستاده است.

اشتروتمان در سال ۱۹۴۶ م. در شماره هفدهم مجله Islam یکی از مهمترین آثار نویسنده بزرگ علوی، ابوسعید میمون بن قاسم طبرانی، به نام سیل راحة الأرواح و دلیل السرور الأفراح إلى فائق الاصباح را مورد تحقیق قرار داد. نام دیگر کتاب چنین است: مجموع الأعیاد و الدلالات و الأخبار المهرات و ما فیها من الدلائل و العلامات جل مظهرها عن الآباء و الأمهات و الإخوة و الأخوات.

کارل بروکلیمان: نام وی برای بسیاری از دانش‌پژوهان علوم اسلامی آشناست. وی در کتاب مهم خود با مشخصات زیر:

Geschichte der Arabischen Schrifttums, Supplement, Leiden. 1937 - u2, l/327, no: 14.

نصیری به دست داده است.

مؤلف به اختصار به برخی از شخصیتهای علمی علوی چون

ابوعبدالله حسین بن حمدان خصیبی، شهاب‌الدین بختیار بن ابی منصور رأسیاش (= راست‌باش) دیلمی، ابوالفضل محمد بن حسن مستجب‌الدین عانی، ابوسعید میمون بن قاسم طبرانی، و ابوالحسن محمد خدیری و سلیمان اذنی و آثار آنان اشاره کرده‌است. اهمیت این فهرست مختصر در این است که هیچ یک از آثار این نویسندگان جز الهدایة الکبری خصیبی - بعد از حذف مطالبی - به چاپ نرسیده است و اطلاع از این آثار کاری بس دشوار و شاید غیرممکن است.

**فؤادسزگین:** این فهرست نویس مشهور ترکیه که در حال حاضر تابعیت آلمان را پذیرفته در کتاب خود به نام: Geschichte der Arabischen Schrifttums, Leiden, 1967-84, I / 534-35. به همان مطالبی که بروکلیمان آورده، اشاره کرده و چیزی بر آنها نیفزوده است.

**پاتریک فرانکه:** وی که جوانی پرتلاش و کنجکاو درباره فرقه علویان در دانشگاه بن آلمان است مدت سه سال است که به تحقیق درباره یکی از حرکت‌های مرموز علویان به نام حرکت مرشدیه، منسوب به سلیمان مرشد، مدعی الوهیت در قرن بیستم، پرداخته و منابع بسیار مهمی در این باره گردآوری کرده‌است. جالب آن که این جوان در مدت یکسال زبان محلی علویان را همچون خود آنان فرا گرفته و در مدت تحقیق خود به تمامی روستاها و مناطق دوردست این فرقه گمنام مسافرت کرده، ولی تاکنون تحقیقی از وی به چاپ نرسیده‌است.

به جز نویسندگان و محققان مذکور، برخی از دانشمندان عرب‌زبان نیز، در دانشگاههای آلمان به تشویق استادان خود، به تحقیق در این باره پرداخته‌اند. همواره خاورشناسان مغرض یا بی‌غرض برای کسب آگاهی از مناطق مشرق‌زمین، از دانشجویان بومی آن مناطق بسیار بهره جسته‌اند و چه‌بسا بدین طریق، این دانشجویان، آب به آسیاب دشمنان کشور خویش ریخته، زمینه استعمار فرهنگی را فراهم آورده‌اند. از جمله رشته‌های دانشگاهی در اروپا که به استعمارگران نیز بسیار خدمت کرد رشته تک‌نگاری است. به عنوان مثال نویسنده‌ای به نام کامل اسماعیل پایان‌نامه خویش را در دانشگاه برلین، براساس تک‌نگاری از مهمترین مناطق علوی‌نشین و خاستگاه انقلاب بزرگ علویان علیه استعمار فرانسه، نوشت؛ و مطالب مهمی را درباره آداب و رسوم، تاریخ و فرهنگ و جغرافیای این منطقه علوی‌نشین به استادان آلمانی خود ارائه داد. کتاب وی به نام: Die Sozialökonomischen Verhältnisse der bäuerlichen Bevölkerung im Küstengebirge der Syrischen Arabischen Republik در سال ۱۹۷۵ به چاپ رسید. بنا به گفته نویسنده کتاب مذکور، یکی از دوستانش نیز در آلمان، به عنوان پایان‌نامه دانشگاهی کتابی درباره قیام پدوی اردن، نگاشته است. در حال نباید از چنین اموری نیز غافل باشیم.